



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱
مصادف با: ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۳۳
جلسه: ۳۵

موضوع کلی: مصادر رجالی
موضوع جزئی: رجال برقی
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

از بحث مربوط به مصادر اولیه رجالی دو کتاب دیگر باقی مانده که این را هم عرض می‌کنیم، تا اینجا درباره چهار کتاب رجالی بحث مختصری داشتیم که عبارت بودند از: رجال کشی، رجال نجاشی، رجال شیخ طوسی و فهرست شیخ. در مورد مصادر اولیه علم رجال عرض کردیم بعضی آنها را چهار مصدر و بعضی پنج مصدر و بعضی آنها را هشت مصدر معرفی کرده‌اند اما شاید آنچه به عنوان قدر متیقن از مصادر رجالی اولیه باشد و بیشتر مورد مراجعه باشد همین چهار کتابی باشد که اشاره کردیم.

البته مشیخه صدوق و مشیخه تهذیب و استبصار هم تا حدودی می‌توانند به عنوان مصادر رجالی قلمداد شوند اما واقع مطلب این است که اینها به عنوان یک کتاب رجال یا فهرست نوشته نشده و هدف از ذکر این مشیخه‌ها و طرق اتصال روایات، در واقع تکمیل حلقه‌های مفقوده‌ای بوده که در متن کتاب برای پرهیز از تطویل حذف کرده و به آخر کتاب منتقل کرده‌اند لذا ما نمی‌توانیم آنها را به عنوان مصادر رجالی اولیه بپذیریم و عمده همین کتبی است که ذکر شد و تا حدودی هم رجال برقی است که مختصری درباره آن بحث خواهیم کرد. یک کتاب رجالی هم از ابن غضائری است که نیاز به بررسی بیشتری دارد که خود ابن غضائری آیا موثق است یا خیر و آیا کتاب او مورد اعتماد است یا نه؟

رجال برقی:

مؤلف این کتاب همان کسی است که محاسن را تألیف کرده؛ یعنی احمد بن محمد بن خالد برقی که این کتاب هم به محاسن برقی معروف شده است. کسی که در بین برقی‌ها شهرت دارد احمد بن محمد بن خالد برقی است، رجال هم که به نام برقی شهرت پیدا کرده شاید بیشتر بخاطر این باشد که گمان شده مؤلف رجال هم احمد بن محمد بن خالد برقی است. اما اینجا سه احتمال دیگر هم وجود دارد؛ چون برقی‌ها خاندانی بودند که همه آنها در حدیث و تدوین کتب تا اندازه‌ای متخصص بوده‌اند که آن چهار نفر عبارتند از: محمد بن خالد برقی (پدر صاحب محاسن)، احمد بن محمد بن خالد برقی (صاحب محاسن)، عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی (پسر صاحب محاسن) و احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی (نوه صاحب محاسن). این چهار نفر در علم حدیث و تدوین آن مشهور بوده‌اند اما از همه مشهورتر خود صاحب محاسن؛ یعنی احمد بن محمد بن خالد برقی است.

چهار احتمال در مورد مؤلف کتاب:

در مورد رجال برقی احتمال تألیف توسط هر یک از این چهار نفر داده شده؛ یعنی احتمال دارد که پدر صاحب محاسن این کتاب را تألیف کرده باشد و احتمال دارد که خود صاحب محاسن این کتاب را تألیف کرده باشد و احتمال دارد که پسر صاحب محاسن؛ یعنی عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی آن را تألیف کرده باشد و هم چنین احتمال دارد که نوه صاحب محاسن؛ یعنی احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی آن را تألیف کرده باشد.

بنابر آنچه که بعضی از بزرگان بیان کرده‌اند احتمال اینکه خود صاحب محاسن؛ یعنی همان برقی مشهور و یا پدرش این کتاب را تألیف کرده باشند احتمال ضعیفی است و قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد این کتاب رجال نمی‌تواند تألیف برقی مشهور و پدرش باشد از جمله اینکه در این کتاب در موارد زیادی به سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری استناد شده که سال وفات او ۳۰۱ ه.ق می‌باشد در حالی که خود سعد بن عبدالله از احمد بن محمد بن خالد برقی روایت نقل کرده؛ به عبارت دیگر صاحب محاسن به عنوان شیخ سعد بن عبدالله محسوب می‌شود و ممکن نیست برقی (صاحب محاسن) و پدرش در این کتاب نام کسی را ببرند که وفات او متأخر بوده و در عین حال استناد به کتاب شاگرد خودش بکند. موارد دیگری در رجال برقی وجود دارد که به کتاب سعد بن عبدالله استناد شده و این خیلی بعید است که برقی (صاحب محاسن) و پدرش به کتاب شاگرد برقی استناد کنند.^۱ از قرائن دیگر در این کتاب این است که درباره عبدالله بن جعفر حمیری تصریح کرده که از او استماع کرده؛ یعنی روایت شنیده است، عبدالله بن جعفر حمیری صاحب قرب الأسناد است که خودش از احمد بن محمد بن خالد برقی روایت نقل کرده و به عبارت دیگر عبدالله بن جعفر شاگرد صاحب محاسن محسوب می‌شود و چگونه ممکن است که برقی به کتاب او استناد کند.^۲

این قرائن نشان می‌دهد که مؤلف این کتاب نه صاحب محاسن است و نه پدرش یعنی برقی معروف، صاحب کتاب رجال نیست پس باید دو احتمال دیگر را بررسی کنیم که مؤلف این کتاب یا باید پسر صاحب محاسن باشد و یا نوه او. پسرش عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی است که کلینی هم از او روایت کرده و نوه‌اش احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی است که صدوق از او روایت نقل کرده است. قرائن روشنی وجود ندارد بر اینکه کدام یک از این دو مؤلف این کتاب هستند الا اینکه از طریق محاسبات زمانی و معاصرت بگوییم که کدام یک از این دو با اشخاصی که در رجال نام آنها برده شده معاصرت بیشتری دارند؛ مثلاً می‌گویند قرینه‌ای وجود دارد که احتمال تألیف این کتاب را توسط نوه صاحب محاسن بیشتر می‌کند چون همان گونه که اشاره شد او از سعد بن عبدالله و حمیری روایت نقل کرده است و این دو نفر معاصر پدر او یعنی عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی (پسر صاحب محاسن) بوده‌اند و شیخ احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن خالد برقی (نوه صاحب محاسن) محسوب می‌شده‌اند لذا ممکن است این مطلب قرینه باشد بر اینکه احتمال تألیف این کتاب توسط نوه صاحب محاسن بیش از سایر احتمالات است. به هر حال درباره مؤلف این کتاب

۱. رجال برقی، ص ۳۴، ۴۶ و ۵۳.

۲. رجال برقی، ص ۶۱-۶۰.

اختلاف شده، البته نجاشی این کتاب را جزء کتب برقی معروف؛ یعنی صاحب محاسن ذکر کرده است^۱ و این خودش می-تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه این کتاب توسط برقی معروف نوشته شده است که اگر این احتمال را بپذیریم این شبهه هم که چگونه ممکن است کسی در کتابش به کتاب شاگردش استناد کند قابل دفع است؛ چون اشکالی ندارد که استادی کتابی بنویسد و در کتاب خود نام شاگردش را در زمره رجال آن کتاب بنویسد و به کتاب او استناد کند.

محتوای این کتاب مثل رجال شیخ متضمن اسماء اصحاب پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) است که از اصحاب پیامبر(ص) شروع کرده تا به اصحاب ائمه(ع) رسیده است و همان گونه که در رجال شیخ هیچ جرح و تعدیل یا توثیق و تضعیفی در رابطه با رجال نام برده در این کتاب نشده اینجا هم برقی فقط به ذکر اسامی اکتفاء کرده و به جرح و تعدیل یا توثیق و تضعیف روات اشاره‌ای نکرده است.

رجال ابن غضائری:

قبل از اینکه راجع به این کتاب بحث کنیم مقدمهٔ راجع به خود غضائری و ابن غضائری مطلبی را عرض می‌کنیم؛ چون روایاتی که ابن غضائری در سند آنها باشد و یا توثیقات و تضعیقاتی که از ابن غضائری ذکر شده مورد تأمل قرار گرفته است. خود غضائری در واقع حسین بن عبیدالله بن ابراهیم غضائری(م. ۴۱۱.ق) و از مشایخ شیخ و نجاشی است.

نجاشی درباره او می‌گوید: غضائری ۱۴ کتاب داشته و أجازنا جميعها و جميع رواياته عن شيوخه که درباره این ۱۴ کتاب و همه روایاتی که در این کتب هست از شیوخ خودش به ما اجازه داده است^۲. نکته‌ای که قابل توجه است این است که نجاشی کتابی را به عنوان رجال غضائری جزء این ۱۴ کتاب ذکر نکرده است.

شیخ درباره غضائری می‌گوید: «كثير السماع عارف بالرجال و له تصانيف ذكرناها في الفهرست و سمعنا منه و أجاز لنا بجميع رواياته»^۳ غضائری كثير السماع و عارف به احوال رجال بوده و ما تصانيف او را در کتاب فهرست ذکر کرده‌ایم در حالی که وقتی به کتاب فهرست مراجعه می‌کنید درباره او تصنیفی ذکر نکرده است.

به هر حال شاید بتوان گفت تعبیراتی که در رجال شیخ و نجاشی درباره خود غضائری وارد شده، بر وثاقت او دلالت می‌کند و غیر از این تعبیرات، نفس اینکه غضائری از مشایخ شیخ و نجاشی است وثاقت او را ثابت می‌کند چون بعضی معتقدند اگر کسی از مشایخ نجاشی یا شیخ باشد ثقه است. پس مجموع مطالبی که درباره خود غضائری گفته شده و اینکه او از مشایخ شیخ و نجاشی است بر توثیق او دلالت می‌کند.

«والحمد لله رب العالمين»

۱. رجال نجاشی، رقم ۱۸۲.

۲. همان، رقم ۱۶۶.

۳. رجال شیخ، ص ۴۷۰، رقم ۵۲.